



مناظره

تن به تن

روزنامه اجتماعی اقتصادی
چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۳ • ۲۶ ذی الحجه ۱۴۴۵ • 3 July 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و هفتاد و هفت
www.asrghanoon.ir

عقلانیت در برابر عوام‌زدگی



او می‌خواهد همانند رأی‌های ناآگاهانه‌اش در مجلس، تدبیر را به دیگران بسپارد و هفته‌ای دو بار، عمل جراحی قلب انجام بدهد! به راستی، آیا حکمرانی در جهان آشفته کنونی، این‌گونه است؟

۲

مشارکت مردم و افزایش کیفیت حکمرانی در وضعیت پیچیده



در جامعه‌ای که ساده و بسیط است، تصمیم‌گیری‌ها به راحتی انجام می‌شود و متخصصین با بررسی جوانب مختلف موضوع، راه‌حلهایی کارآمد پیشنهاد می‌کنند

۳

منافع کشورهای غربی در حمایت از صهیونیست‌هاست



کشورهای غربی با رژیم صهیونیستی ارتباط دارند و منافع آنها با رژیم اسرائیل هم‌پوشانی دارد و در مقابل جنایات صهیونیست‌ها سکوت می‌کنند

۴

رشد تخصیص ارز به تولید



وقتی رشد محقق شده و رشد تشکیل سرمایه افزایش پیدا کرده است، یعنی ارز لازم برای تشکیل سرمایه به خوبی تخصیص داده شده است.

۵

متهمی که جای شاکی نشسته است!



واقعیت این است که آمریکا تنها در صورتی به برجام باز خواهد گشت و به تعهدات خود از جمله رفع تحریم‌ها عمل خواهد کرد که تشخیص دهد، ضرر خارج بودن از برجام برایش بیشتر از عمل کردن به مفاد برجام است.

۷

دلان و مدیران باهم هماهنگ هستند



مثلی در نظر بگیرید: مدیرعامل فاسد، مربی فاسد و دلال فاسد، یکی را قیچی کنید.

۸

سعید جلیلی و مسعود پزشکیان با حضور در مناظره دو نفره، با صراحت به سوالات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پاسخ دادند



سعید جلیلی و مسعود پزشکیان با حضور در مناظره دو نفره، با صراحت به سوالات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پاسخ دادند. سعید جلیلی: اگر می‌خواهید از فضای مجازی به خوبی استفاده کنید باید سرعت شایسته داشته باشد. بررسی‌های ما این است که می‌شود سرعت اینترنت موبایل را ۱۰ برابر و اینترنت ثابت را ۵۰ برابر افزایش داد. مسعود پزشکیان: چرا الآن فیلتر می‌کنید و مردم را از زندگی ساقط می‌کنید و دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها را هم با مشکل روبرو می‌کنید؟ باید کاری کنیم مردم در فضای مجازی راحت زندگی و درآمد کسب کنند.

درباره مناظره دوجانبه



خود در هفته گذشته است. او سخن افزوده‌ای ندارد و فقط تکرار می‌کند. ذهنیت او در یک نقطه، متوقف شده و هر چه بیشتر زمان بگذرد، تکرارهای او بیشتر می‌شود. او حتی هنوز هم از کلیات و ابتدائیات فراتر نرفته و قدرت ندارد وارد جزئیات و نتایج بشود. ۱۲. جلیلی، بسیار مترکم و فشرده سخن گفت؛ از تمام لحظه‌ها برای روایت‌گری استفاده کرد؛ بیشترین تعداد کلمات را در دقیقه بیان کرد؛ برنامه‌هایش را یک‌به‌یک گفت؛ هم اثباتی گفت و هم سلبی؛ هم دفاع کرد و هم حمله؛ تعادل و ثبات عصبی داشت؛ تناقض‌های رقیب را استخراج کرد؛ و با شجاعت و قاطعیت سخن گفت. ۱۳. پزشکیان در اثر عجز منطق و فقر استدلال، به پوپولیسم و لمپنیسم رو آورد؛ هوچی‌گری کرد تا سخن جلیلی شنیده نشود، اما جلیلی، چهره‌ی فعال و قاطع و حاضر جواب خود را نشان داد و از عهده‌ی ابطال پزشکیان برآمد. چهره‌ی پزشکیان، در هم کشیده شد و تعادلش را از دست داد. در پایان هم انشاخوانی کرد و اتهام زد. ۱۴. جلیلی در نیم ساعت پایانی، چهره‌ی متفاوتی از خود نشان داد؛ او به یک سلاح نقطه‌زن تبدیل شد که در لحظه، شلیک می‌کند و به هدف می‌زند. او همان شد که بسیاری از هوادارانش خواسته بودند؛ یک مواجهه‌گر ضربتی و بی‌تعارف. پزشکیان کوشید با ورود مکرر، جلیلی را مغلوب کند، اما ناخواسته به او کمک کرد.

۱. جلیلی، حمله را آغاز کرد. او گفت برخلاف نظر پزشک‌ها و ترجیح‌ها و مسأله‌های مردم، معیشت و گرانی و بیکاری است، نه حواشی دروغین و فرعی که در قالب تعبیر زنده‌ی «طالبان» که به رقیب، نسبت داده شد. برجسته‌سازی فرعیات، مشارکت‌سوز هستند. جلیلی توانست «زمین بازی» را از سیاست و فرهنگ به اقتصاد تغییر بدهد. ۲. پزشکیان می‌خواهد «قومیت» و «مذهب» را تحریک کند تا برای خود، رأی بسازد. او برخلاف اقتضای تعهد به امنیت ملی، در حال تلاش برای فعال‌سازی گسل‌ها و شکاف‌ها است. این نیز مسأله‌سازی تصنعی و به تعبیر جلیلی، معامله‌ی انتخاباتی است. جلیلی تلاش می‌کند که به گفتگو، هندسه‌ی واقعی بدهد و حواشی را بزداید. ۳. پزشکیان، خود را در موقعیت یک «منتقد بی‌مسند» نشسته و طوری سخن می‌گوید که گویا در قدرت نیست. گفتارش، «سیاست‌زده» است و می‌کوشد با ملامت دولت، جانب مردم را بگیرد. نقدهایش، «کوچه‌بازاری» و «عوام‌زده» است و ربطی به منزلت کسی که داوطلب ریاست‌جمهوری است، ندارد. نگاه او، دولت‌زده است. ۴. جلیلی توانسته برای هر «گزاره‌ی نظری» اش، «نمونه‌ی عینی» بیاورد؛ نشان می‌دهد که نه ذهن‌زده است و نه عین‌زده، بلکه دوسویه تحلیل می‌کند. در مقابل، پزشکیان در سطح مثال‌های عوام‌زده و خیابانی و پیش‌پافتاده، متوقف مانده است و یا حداکثر، «شعار» می‌دهد و «سخنرانی» می‌کند، اما از برنامه نمی‌گوید. ۵. جلیلی می‌گوید «اعتراض خیابانی»، حاصل گسستگی مسئولان از مردم و نشنیدن صدای آنها و دوری از میدان مردم است. اعتراض، وقتی به «خیابان» کشیده می‌شود که دفاتر کارگزاران به روی مردم بسته شد یا آنها در کنار مردم نباشند که صدای مردم را بشنوند. پس باید منطق حکمرانی به سطح زندگی روزمره‌ی مردم نزدیک شود. ۶. پزشکیان از «سروصدای معترضان» می‌فهمد که اعتراض وجود دارد، اما جلیلی، «سازوکار ارتباط مردمی» تعریف



ایستاده در غبار

رضایاقری‌پور

شهید، اگر حتی خون کفکش خشک نشده باشد، به سرعت در خاطر جمعی ما کهن‌الگوی می‌گردد که چشم ما را تا ابد به دنبال قراین او به جستجو وامی‌دارد. ما تا همیشه عصر خود را کنکاش می‌کنیم تا شبیه به مهدی باکری، شبیه به حسن باقری، شبیه به قاسم سلیمانی را بیابیم. قهرمانانی که حتی اگر لیاقتشان را نداشته باشیم، به وجودشان نیاز داریم. آنها معنای زیستن هستند؛ و ما می‌خواهیم نعمت معاصرت و حضور آنها را از آن خود کنیم چنانکه قبل‌تر از ما مردمانی به واقع از این نعمت برخوردار بودند.

در هر موفق تاریخی و برای هر حرکت تاریخی بازیگران کلیدی خود را شایلون تاریخ می‌زنیم تا ببینیم با کدام یک از مردان مرد قواره یکسانی دارند. همینطور که فی‌المثل اثباتی داشتیم به میمنت رئیسی، بهشتی را به تاریخ خود دعوت کنیم و مرام و رهبری بهشتی را ببینیم.

ایام انتخابات است و ما بار دیگر در موقع «دعوت» قرار داریم. گزینه‌های ناب و بی‌مانندی داشتیم و امروز اما یکی از آنها نماینده ماست، سعید جلیلی؛ سعید جلیلی به هر صورت انتخاب ماست. جلیلی را انتخاب خواهیم کرد اما کدام اسطوره را به مدد او احیا خواهیم کرد؟ کدام روح را به بهانه او به تاریخ خود دعوت می‌کنیم؟

■ در جستجوی قهرمان

می‌دانیم جلیلی تنه‌است؛ می‌دانیم مطلوب کهنه‌کارهای قدرت نیست و البته منفور کهنه‌کاران ثروت و سرمایه است. می‌دانیم عموم، چه در داخل چه در خارج او را به رسته نظامیان و پاسداران نزدیک می‌دانند و در عین حال می‌دانیم که گزینه مطلوب سران آن نیست. می‌دانیم که زحمت‌نشان‌داری از جمهوری اسلامی و ملامت‌های آن در جامعه را به دوش می‌کشد اما هیچ نهاد و سازوکار قدرتمندی در جمهوری اسلامی نیست که او را خوش بدارد.

می‌دانیم در روزگاری که سیاستمداران روزمره را تبلیغ می‌کنند، او افق دارد. در ایران ایستاده و از همینجا به آخر صفوف دشمن ایران نگاه می‌کند. قلب فتنه آماج اوست و سازشگران این روحیه‌اش را آماج می‌کنند. از ارزش‌های روشن او صدرازش می‌سازند و بی‌چیزی خود را به مدد غیریت با او، تا حدی که برای فریب خلق مکفی باشد، چاره می‌کنند.

می‌دانیم که وحید است. اول شخص مفرد مخاطره و هزینه است. زمینی از خطر و جنجال هست که وجب به وجب آن را عوام‌فریبی، ترس و جهل مین‌گذاری کرده و جلیلی بی‌محایا به سوی مرکز آن زمین گام می‌کوبد. او یک پا به نشانه همین برای کسانی که کمتر می‌بینند در میدان جا گذاشته و کوهی از آبرو را نیز برای آنها که می‌بینند خرج کرده است.

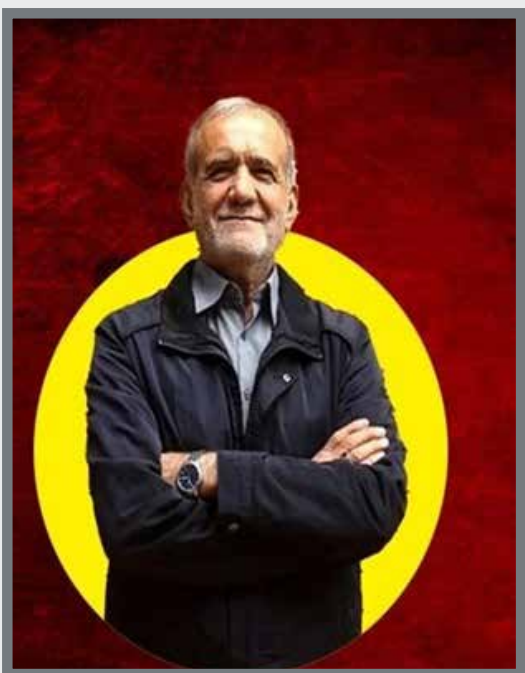
او در غبار، تنها ایستاده است. روی همان نقطه و خاکی که احمد متوسلیان ایستاده بود. متوسلیان را نیز کسی نمی‌خواست. به قول خودشان «دندان کرم خورد» بود که کردند و دور انداختند. تنها بود. عزیز مردم تحت فرمانش بود و منفور فرماندهانش. او فشنگ‌های فاکتور شده برای یک عملیات را می‌شمرد و از سپاه بازخواست می‌کرد. همه در حال سبک سنگین کردن معامله فاو و آبدان و چه و چه اند و دشمن را همین می‌دانند که روبرویشان ایستاده است. در حال ارزیابی اینند که جلوی یعنی عراقی تا کجا می‌توان جنگید؛ او سلاح برداشته و به موازای عراق و شام رفته است. پرتو پر فروغ شجاعت و غیرت متوسلیان، شعله شمع و لحظه جرقه خیلی‌ها را به چشم نمی‌آورد.

قله‌ها و گردنه‌ها به ضرب طرح و خرد او باز می‌شد. پای لنگ بزرگ‌ترها، در جنگیدن و پنجه بر حلق دشمن گذاشتن، به اسب تیزپای عقل و خرد متوسلیان نمی‌رسید. ضرب آتش و تجهیزات هم جای تدبیر احمد را پر نکرد؛ و همین بود که بعد از او، اینها دیگر پیروزی نداشتند و زمینی از دشمن نگرفتند. این عجز در بین آنها جز با تراشیدن دشنام «بی‌عقلی، تند مزاجی و عجولگی» برای احمد، چاره نمی‌شد.

احمد متوسلیان، متفاوت بود و متفاوت ماند. او شهید نشده، بلکه رفت. نه اینکه مقفول‌الامر شده باشد، رفت. و نه اینکه الان اسیر باشد، بلکه رفت. هنوز کسی نتوانسته خط آخر زندگی‌نامه او را بنویسد. او شهیدی نیست که مقبره‌ای داشته باشد تا بر پای آن حاضر شویم و فاتحه‌ای بخوانیم. هر کس که دنبال مزار از احمد است، باید بگردد. گویی نمرده و هنوز ایستاده است. منتها در غبار، باید گشت و در پی او رفت. متوسلیان ما را در موقعیت کنکاش دائم قرار داد. و الان، آنجایی هستیم که می‌توانیم او را دعوت کنیم. یکی شبیه او را فرابخوانیم و تا حدی درک کنیم زندگی با متوسلیان را.

عقلانیت در برابر عوام‌زدگی: ریاست‌جمهوری و منطق کوچه‌بازاری!

مهدی جمشیدی



قدرت تجزیه و تحلیل ندارد و نمی‌تواند ریشه‌یابی و موشکافی کند؛ مانند یک رهگذر خیابانی بی‌خبر، به پیچیده‌ترین مسأله‌های حاکمیتی می‌نگرد و سخت‌ترین و مبتذل‌ترین روایت‌ها را از آنها می‌پروراند. البته با گستاخی تمام، از علم و تجربه و عقلانیت و کارشناسی نیز سخن می‌گوید تا مخاطبی که نمی‌فهمد، همچنان نفهمد که او نمی‌فهمد. مسأله نیز عبارت از همین ایجاد اختلال در فهم مخاطب. او می‌خواهد حقیقت، در پرده بماند و آشکار نشود. حقیقت این است که پزشکیان، هم «ادبیات عوام‌زده» دارد

و هم «تفکر عوام‌زده»، و این دومی، بسیار خطرناک‌تر و تأسف‌برانگیزتر است. اگر چنین کسی به ریاست‌جمهوری دست یابد، در اثر درک ناچیز خود از مسأله‌های پیچیده، ایران را با چالش‌ها و حتی بحران‌های بزرگی مواجه خواهد کرد و چه‌بسا در میانه راه، از این منزلت کنار گذاشته شود. آری، میان «مردم‌گرایی» و «عوام‌زدگی»، تفاوت وجود دارد؛ در میان عامه مردم بودن و جانب مردم را گرفتن و درد آنها را شناختن، یک سخن است و عوام‌فریبی و

اگرچه [یکم]. مناظره شب اول، یک موقعیت چالشی برای پزشکیان بود که برای گریختن از آن، چاره‌ای جز در پیش گرفتن مسیر «عوام‌زدگی» نداشت. او بر روی استعداد «بازیگری» و «هوچی‌گری» اش حساب باز کرده بود و همه این‌ها را نیز به کار گرفت تا در مقابل جلیلی، قافیه را نبازد. یک غول فکری و میدانی همچون جلیلی در برابر او نشسته بود که از کلیات تا جزئیات را رصد کرده و با دقت فراوان، راه‌حل‌ها را یافته است. در معرکه مواجهه با چنین شخصی، چه می‌توان کرد جز شارلاتانیسم انتخاباتی. باید همه شگردهای مواجهه «کوچه‌بازاری» را به کار گرفت و «کولی‌گری» کرد تا عوام، فریفته شوند. و البته برای مخاطب، بسیار عجیب است که چگونه «نامزد ریاست‌جمهوری»، اینقدر سفیخ و مبتذل و دزدستی سخن می‌گوید و با علم و منطق و عقلانیت، بیگانه است. گویا در خیابان، با کسی درگیر شده و برای اینکه مغلوب نشود، باید هرچه که می‌تواند جوسازی و غوغاسالاری کند تا مردم، جانب او را بگیرند. وی بی‌ادبانه، بارها و بارها، سخنان جلیلی را قطع کرد و کوشید با بیان حرف‌های نامرتب و غلط، مجال ندهد که منطق جلیلی در ذهن مخاطب بنشیند. او به دنبال ایجاد «اختلال» بود و نه طرح «شکال». او می‌خواست سخن جلیلی، تثبیت نشود و برای این کار، کلام وی را قطع می‌کرد تا گزاره‌های به‌هم‌متصل جلیلی، بریده‌بریده شوند. از نهج‌البلاغه خواند اما خودش و نامنطقش، فرسنگ‌ها با چهارچوب‌های آن فاصله داشتند.

پزشکیان، هم «عوام‌فریب» است و «عوام‌زده». او فقط به زبان عوام، «سخن» می‌گوید بلکه حتی عوامانه، «فکر» می‌کند. منطق ذهنی او، همین اندازه، سست و بی‌پایه و بی‌مقدار است.

ذهن و فکر و شعور مردم را به بازی گرفتن و کولی‌گری سیاسی، سخن دیگر، مردم‌گرای حقیقی، جلیلی است که در طول دهه گذشته، به میان مردم رفته و از نزدیک، مسأله‌ها و دغدغه‌ها را دیده و شناخته. مردم‌گرایی، به معنی کاربست ادبیات کوچه‌بازاری و مبتذل در گفتگوی سیاسی نیست، بلکه سیاستمدار مردمی، کسی است که واقعیت‌ها زندگی مردم را درک کرده و با آنها، همدل شده است؛ چه اینکه مولانا گفته است: «هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است».

مشارکت مردم و افزایش کیفیت حکمرانی در وضعیت پیچیده

محسن ردادی

دکتر محسن ردادی عضو هیأت علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی پیرامون مشارکت مردم و افزایش کیفیت حکمرانی در وضعیت پیچیده نوشت:

رهبر انقلاب تأکیدات مکررشان و به صورت خاص در دیدار مدال آوران دانش آموز و دانشجو این بود که اصل حضور مردم در انتخابات، بیش از آنکه چه کسی رأی می‌آورد، اهمیت دارد. به نظر می‌رسد این نگاه کاملاً عقلانی، منطقی و منطبق با نیازهای روز و شرایط فعلی است. در این یادداشت تلاش می‌کنم در چارچوب فلسفه سیاسی، دلایل مهم برای اولویت داشتن «فراگیر بودن مشارکت» بر اینکه «چه کسی انتخاب می‌شود» را بیان کنم.

برای پی بردن به ارزش مشارکت زیاد، دو تا سناریوی فرضی را در نظر بگیرید:

سناریوی اول اینکه اصلاً نظام انتخاباتی نداشتیم و صرفاً گروه حزب‌اللهی‌ها، نخبگان، متخصصین دانشگاهی و حوزوی، سرآمدان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانشناسان حق انتخاب رییس جمهور را داشتند. در این صورت احتمالاً رییس جمهوری انتخاب می‌شد که متدین‌ترین و متخصص‌ترین فرد بود.

سناریوی دوم این است که انتخابات با حضور عموم مردم و با مشارکت بالای ۹۰ درصد برگزار شود و رییس‌جمهوری انتخاب شود که برآیند انتخاب همهٔ مردم و با سطح‌های مختلف سواد و فهم و احساسات است. در این شرایط اغلب افرادی که مشارکت می‌کنند افراد حرفه‌ای نیستند و انتخاب آنها با کیفیت‌ترین انتخابات نیست. به علاوه ممکن است بسیاری از این افراد تحت تأثیر احساسات و رسانه‌ها رأی دهند و در این وضعیت قاعداً، متخصص‌ترین، پاک‌ترین و باتقواترین فرد انتخاب نمی‌شود.

کدام سناریو به صلاح کشور است؟ کدام رئیس‌جمهور می‌تواند بهتر کشور را اداره کند؟

اگر این سوال را از افلاطون یا فارابی بپرسیم، او سناریوی اول را انتخاب می‌کند. زیرا آنها معتقد هستند قدرت اجرایی کشور باید در اختیار بهترین فرد قرار گیرد و عموم مردم، توان انتخاب بهترین فرد را ندارند.

اما رهبران انقلاب اسلامی (امام خمینی و امام خامنه‌ای) ظاهراً معتقد به سناریوی دوم هستند و اگر اینگونه نبود، بر مشارکت عمومی در انتخاب رئیس‌جمهوری کشور، پافشاری نمی‌کردند. دلایلی که باعث می‌شود این نگاه را صحیح‌تر بدانیم

و «مقبول‌ترین» فرد را برای ادارهٔ کشور موفق‌تر از «بهترین» فرد (یعنی متخصص‌ترین، کارآمدترین و باتقواترین) بدانیم به این شرح است:

تصمیم‌گیری در وضعیت پیچیده: در جامعه‌ای که ساده و بسیط است، تصمیم‌گیری‌ها به راحتی انجام می‌شود و متخصصین با بررسی جوانب مختلف موضوع، راه‌حل‌هایی کارآمد پیشنهاد می‌کنند. اما در وضعیت پیچیده (Chaos) عوامل اثرگذار به قدری زیاد است که نمی‌توان بر اساس الگوهای رایج

و با تکیه بر تخصص‌های معمول، راه‌حل را یافت. در این وضعیت بهترین روش برای حل مسائل، یافتن راه‌حل‌های بدیع، غیرمعمول و نوآورانه است. رسیدن به این راه‌حل‌ها، نیازمند درک دقیق و میدانی از مشکلات، چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود در جامعه است. «مقبول‌ترین» فرد، با روحیهٔ مردم و وضعیت جامعه انطباق بیشتری دارد و بهتر می‌تواند وضعیت پیچیده را درک کند. در حالی که فرد متخصص و باتقوا، به دانسته‌های آکادمیک خود بسنده می‌کند و فهم محدودی از وضعیت دارد. مشارکت گستردهٔ مردم، کمک می‌کند که فردی را برگزینند که بیشترین نزدیکی و قرابت را به حالات روحی و ادراکات آنها را داشته باشد. این فرد، لزوماً بهترین و شایسته‌ترین فرد نیست؛ اما قطعاً مقبول‌ترین فرد است و مردم توانسته‌اند بیش از همه با این فرد رابطه برقرار کنند. هرچه تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتر باشد، این فرد به روحیه و سطح فهم عموم مردم نزدیک‌تر است. پس هرچه این فرد با آرای بیشتری انتخاب شود، تطابق بیشتری با عاقلهٔ مردم دارد و بهتر می‌تواند با آنها هم‌ذات‌پنداری کند

جلب همراهی و مشارکت بیشتر مردم: مسائل و مشکلات کشور به قدری زیاد شده‌اند که حل آنها از عهدهٔ دولت خارج است. هیچ فردی، هرچقدر هم توانمند و آگاه باشد، نمی‌تواند به تنهایی با این چالش‌ها دست و پنجه نرم کند. حل مشکلات امروز جامعه ضرورتاً مستلزم همراهی و مشارکت مردم است. رئیس‌جمهوری که به اتکای تخصص خود و توانمندی مدیران دولت بخواهد مشکلات را حل کند، حتماً سرخورده و ناامید می‌شود. رئیس‌جمهوری که خود را نیازمند و محتاج مشارکت مردمی بداند می‌تواند بر مسائل مسلط شود و آنها را حل کند. با توجه به این نکته، اگر فرد منتخب مردم، میزان زیادی از آراء را جلب کرده باشد، می‌تواند انتظار داشته باشد که در سال‌های ریاست جمهوری از حمایت و مشارکت مردم در پیشبرد برنامه‌ها



بهرهمند باشد. در حالی که میزان پایین آراء، حتی اگر منجر به انتخاب «بهترین» فرد شود، نمی‌تواند همراهی مردم با رئیس‌جمهور منتخب را تضمین کند. به عبارت دیگر، مشارکت بالای انتخابات، نویددهندهٔ مشارکت عمومی مردم در سال‌های ریاست جمهوری است و احتمالاً منجر به اعتماد متقابل مردم و دولت می‌شود. این «سرمایهٔ اجتماعی» که متکی به اعتماد مردم است با هیچ منبع دیگری قابل مقایسه نیست.

شکل‌گیری عقلانیت جمعی: مولوی می‌گوید: «عقل قوت گیرد از عقل دگر...» و نیز همو گوید: «مشورت، ادراک و هشیاری دهد / عقل‌ها مر عقل را یاری دهد». این یک اصل پذیرفته‌شده است که جمع شدن و همفکری منجر به انتخاب‌های بهتری می‌شود. فکر هر فرد به تنهایی دارای ضعف‌هایی است و گاه تحت تأثیر تعصب‌ها و احساسات قرار می‌گیرد. اما اگر چند نفر، با هم فکر کنند، ضعف‌های فردی و تعصبات و احساسات هر شخص، توسط قوت‌ها و منطق دیگری جبران می‌شود و حاصل این تصمیم‌گیری جمعی یک عقلانیت کامل است. هرچه تعداد افراد بیشتر باشد، احتمال اثرگذاری تعصب‌ها و احساسات بر عقلانیت کاهش می‌یابد. بنابراین اگر رئیس‌جمهور نتیجهٔ مشارکت ۶۰ میلیون نفر باشد، حتماً از رئیس‌جمهوری که از یک همفکری ۲۰ میلیونی برگزیده شده، عاقلانه‌تر انتخاب شده است. زیرا حداقل سه‌برابر بیشتر به موضوع فکر کرده‌اند و سه برابر نیروی فکری صرف انتخاب بهترین گزینه شده است.

در این وضعیت است که می‌بینیم، «کمیت» تبدیل به «کیفیت» می‌شود. فردی که در فرایند مشارکت بالای انتخاباتی انتخاب می‌شود، بهترین فرد برای ادارهٔ کشور است و بهترین تصمیم‌ها را خواهد گرفت؛ هرچند متخصص‌ترین و باتقواترین فرد نباشد.

چطور سادگی بر پختگی چیره می‌شود؟

محمد رحمانی

ادبیات نخبگی به شدت کم‌رنگ است.

در دو هفته گذشته و در جریان انتخابات تمرکز بسیاری از نامزدها، بر ارائه پخته تر، عمیق تر و دقیق تر برنامه هایشان برای تحول ایران بود. گفتگوهای مفصل پیرامون برنامه پنج ساله هفتم، انبوه طرح‌هایی برای حل ناترازی‌های مختلف اقتصادی، چالش‌های حوزه سیاست خارجه مثل FATF و ... اما نهایتاً به جز لایه نخبگانی و خواص جامعه، احاد جامعه به چه سمتی مایل می‌شوند؟ عامه مردم به سمت «زبان روزمره» می‌روند. چیزی که در زبان جلیلی مشاهده نمی‌شود و در زبان قالبیاب کمتر بود. اما پزشک‌های مسلط بر این زبان روزمره است.

البته نه از باب توان در قدرت تبدیل، بلکه از عوامانه بودن شخصیت درونی خود!! ولی نتیجه تغییر نمی‌کند، مردم با این زبان مانوس تر اند و احساس نزدیکی بیشتری می‌کنند. لذا کلید واژه‌ها، رفتارها و تک تک کنش‌هایش در آذهای مردم منبأپذیر است. این درک از



ذهن مردم، در بسیاری از ما وجود ندارد لذا دقیقاً محصولات رسانه‌ای تولید می‌کنیم که مبتنی بر چارچوب ذهنی ما خنده دار و مضحک، اما مبتنی بر آذهای مردم جذاب و قابل درک است.



مناظره اول جلیلی_پزشکیان

علی مهدیان

برای فهم مناظره و یافتن نقطه اصلی اختلاف، نه خودتان را معطل ادبیات کوچ‌بازاری پزشکیان کنید، نه ادبیات عجیب و نخبگانی جلیلی، نه خودتان را معطل "کارنامه‌ات چیست" پزشکیان کنید، نه "برنامه‌ات چیست" جلیلی، نه خودتان را معطل "کرد و ترک و سنی" پزشکیان کنید نه "زنان سرپرست خانه و روستاییان و کارگران" جلیلی. پس مساله چیست؟

مساله دقیقاً و دقیقاً دو راهبرد مختلف در اداره کشور است. یکی میگوید جوشش اراده‌های مردم، راه حل است. دیگری میگوید فروش دست‌آوردها و معامله با قدرتمندان.

آنکه میگوید "جوشش اراده مردم"، باید ظرفیت‌ها و استعداد‌های مردم را بشناسد، تا برای هر صنف و گروهی نقشی تعریف کند. خوب این کار ساده نیست، نیاز به ساعتها برنامه و فکر دارد.

دیگری که میگوید "سرمایه‌ها را بفروشیم"، نیاز به متخصصین دارد چرا؟ چون تخصص، زاویه نگاه تمدن غرب است به امور مختلف، در این رویکرد اتفاقاً لازم است با آن نگاه امور را بشناسیم، که بتوانیم قدرتهای دنیا را توجیه کنیم که بخردند اصل این است، چه چیز برای فروش و معامله داریم، و چگونه معامله کنیم و بفروشیم. نگاه دنیا و زبان دنیا را لازم داریم برای فروش. به اقتصاد به فرهنگ به تربیت به تعاملات به ابزارها به سرمایه‌ها و...

آنکه میگوید "جوشش اراده مردم" فضای مجازی را محیط جوشش محتوا و کسب درآمد از این راه میکند، دیگری فضای مجازی برایش محیط مناسبی برای داد و ستد با بازارهای جهانی و کسب درآمد از محیط‌های اقتصادی تحت حکمرانی قدرتهای دنیا است.

آنکه میگوید "جوشش اراده مردم"، میگوید منشأ اصلی قدرت من همین است، با این هم طلیم را میگیرم، هم دشمن را از تحریم شپیمان میکنم، هم تحریم را بی فایده میکنم، دیگری که میگوید "سرمایه‌ها را بفروشیم" میگوید باید بگردیم در داخل هر چه داریم و به چشم غرب میآید فعلاً بفروشیم، نفت را نمیخرند، هسته‌ای، نشد موشکی، نشد تعاملات منطقه‌ای، نشد تعاملات با محور مقاومت، نشد سرپرستی تربیت نیروی انسانی، برجام یک، برجام دو، برجام سه، اف ای تی اف، بیست سی و ... چون راه دیگری نیست پس معامله بعد معامله، طرف بشکنند، رها کند، دبه کند، توهین کند، تحقیر کند، راهی به جز این نیست. پس باز هم معامله.

آنکه میگوید "جوشش اراده مردم"، راه "افزایش مشارکت مردم در انتخابات" را عبور از همین جاده میدانند (نقش آفرینی)، راه تنظیم آزادی را عبور از همین دالان میدانند (مسئولیت)، راه اعتراض و مطالبه را قرار گرفتن در این پوزیشن میدانند (ماموریت مشخص)، آن دیگری که بنایش "فروش سرمایه‌ها" است، کلاً ساختار مدیریت شما را متهم میکند به بی‌عرضگی، قدرت طلبی، فساد، رانت و غیره که نشان دهد اینجا مشکل است نه راه حل، به اینجا امید نیند، راه حل در علوم غربی و تخصصی است و سپردن کشور به بیرون از اراده مردم.

اینقدر گیر ندهید چطور پزشکیان دست در جیب، بدون کارنامه بدون برنامه با خیال راحت وارد شده، چون این مسیر نه به کارنامه نیاز دارد نه برنامه، همه چیزش فراهم است، آن مسیر دولت مبتنی بر جوشش اراده مردم است که باید سالها نشستند باشد فکر کرده باشد برای تمام ظرفیت‌های کشور.

باید بین دو نوع امید یکی را انتخاب کنند. امید به "جوشش اراده مردم"، ایجاد قدرت درونی و گرفتن حقمان از دنیا با زور قدرت و قوت مردم، یا تدبیر و امید به "فروش سرمایه‌های مردم ایران به حاکمان دنیا" و از طریق آن کمک به رفاه و آسایش و نقش آفرینی مردم.

پن. جلیلی هوشمندانه و با اخلاق خوشش، به درستی، خیلی تلاش کرد دو قطبی نسازد، اما این دو راهبرد متقابل قابل جمع نیستند به هیچ وجه. لذا انتهای کار دیگر احسنست احسنست گفتن هم نتیجه نداشت.



منافع کشورهای غربی در حمایت از صهیونیست‌هاست

لاسجردی

برنامه «بیون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص استفاده از اسرا به عنوان سپر انسانی توسط رژیم صهیونیستی با دکتر لاسجردی کارشناس مسائل سیاسی به‌صورت تلفنی گفت‌وگو کرد.

لاسجردی با اشاره به انتشار فیلمی از شبکه الجزیره که در آن از اسرای فلسطینی به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌شود، گفت: در جنگ، مفاهیمی وجود دارد که اگر رعایت نشود از آن در موازین حقوقی به‌عنوان جنایت جنگی تعبیر می‌شود. استفاده از نیروی انسانی غیرمسلح و بهره‌گیری از عناصر غیرنظامی در این خصوص به‌عنوان جنایت جنگی تعریف شده است.

وی با اشاره به مجموع جنایاتی که اسرائیل تاکنون در غزه انجام داده، تصریح کرد: این جنایات ناشی از ناکارآمدی و شکست اسرائیل در دستیابی به اهداف خود است و در مورد اخیر یعنی استفاده از اسرا به‌عنوان سپر انسانی، قلماً فشار افکار عمومی را در چند روز آینده علیه رژیم صهیونیستی مضاعف خواهد کرد.

این کارشناس مسائل سیاسی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو رفتارهای رژیم صهیونیستی را غیرانسانی عنوان و بیان کرد: رفتار رژیم صهیونیستی جان انسان‌های زیادی را مورد تهدید قرار می‌دهد و کشورهای دیگر چه مسلمان و چه غیرمسلمان موظف به تلاش برای حفظ جان انسان‌ها هستند. به نظر می‌رسد در روزهای آینده دوباره شاهد اعتراضات و به خیابان آمدن مردم علیه صهیونیست‌ها خواهیم بود.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا قدرت‌های بزرگ در مقابل این جنایات و اتفاقات واکنشی نشان نمی‌دهند، اظهار کرد: آنها در حالی واکنش مناسبی نسبت به این جنایات انجام نمی‌دهند که بی‌تفاوتی آنها به جنایات صهیونیست‌ها می‌تواند خدشه بیشتری به دولت‌هایشان نزد افکار عمومی وارد کند.

لاسجردی افزود: در کشورهای غربی منافع، مواضع آنها در راستای حمایت با عدم حمایت از کشور یا فردی را مشخص می‌کند. کشورهای غربی با رژیم صهیونیستی ارتباط دارند و منافع آنها با رژیم اسرائیل هم‌پوشانی دارد و در مقابل جنایات صهیونیست‌ها سکوت می‌کنند. اساساً آمریکا و دیگر کشورهای غربی، منافع خود را در راستای حمایت از صهیونیست‌ها می‌دانند.

واکنش‌ها به حکم دیوان عالی فدرال در مورد مصونیت رئیس جمهوری آمریکا



جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا رای دیوان عالی فدرال مبنی بر مصونیت نسبی دونالد ترامپ از تعقیب قضایی را یک «رویه خطرناک» خوانده و آن را تضعیف اصل «هیچ کس بالاتر از قانون نیست» دانست.

دیوان عالی فدرال آمریکا که اکثریت آن با محافظه کاران است روز دوشنبه - اول ژوئیه - در حکمی اعلام کرد که دونالد ترامپ برای اقداماتی که در مقام رسمی خود به‌عنوان رئیس جمهوری انجام داده است، از پیگرد قانونی مصون است اما بابت عملکرد و اقداماتی که در ظرفیت خصوصی و به صورت غیررسمی انجام داده است، مصونیتی ندارد.

این حکم به طور احص در پاسخ به پرونده قضایی صادر شد که طی آن دونالد ترامپ متهم شده در روز ششم ژانویه سال ۲۰۲۱ هوارداران خود را برای حمله به کنجره آمریکا و ممانعت از رسمی شدن پیروزی جو بایدن در انتخابات، شورانده است.

اکنون این حکم جنجال برانگیز که با رأی شش در برابر سه قضات دیوان عالی آمریکا صادر شد، به معنای آن است که پرونده ششم ژانویه ترامپ و چند پرونده دیگر قضایی علیه او که در جریان است ممکن است تا پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که ۵ نوامبر برگزار می‌شود، به تعویق بیفتند.

دونالد ترامپ خیلی زود در واکنش به این حکم آن را «یک پیروزی بزرگ» برای خود خواند و گفت که تصمیم امروز دیوان عالی «یک روز بزرگ برای دموکراسی» در کشورش بوده است.

این حکم اما خیلی زود با انتقادهای جدی حتی در میان قضات دیوان عالی آمریکا روبرو شد.

کمپین انتخاباتی بایدن همچنین در بیانیه‌ای اعلام کرد که «این حکم حقایق را تغییر نمی‌دهد، پس بیا باید در مورد آن چه در شش ژانویه اتفاق افتاد بسیار شفاف باشیم: دونالد ترامپ پس از شکست در انتخابات ۲۰۲۰ دست به کار شد و اوپاش را تشویق کرد تا نتایج یک انتخابات را وارونه کند. انتخاباتی آزاد و عادلانه.

در رای گیری روز دوشنبه دیوان عالی فدرال آمریکا شش قاضی محافظه کار موافق، با انتقاد تند ۳ قاضی لیبرال مخالف روبرو شدند. قضات مخالف این رای هم‌زمان با قرائت شرح رای دیوان عالی، متن تندی در مخالفت با آن قرائت کردند که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت.

آنها در نظر مخالف خود مدعی شدند که به قرائت آنها این حکم اکنون به مقام رئیس جمهوری آمریکا قدرتی می‌بخشد که او

می‌تواند از آن برای «مقاصد پلید» استفاده کند.

سونیا سوتومایر، قاضی لیبرال پرسابقه دادگاه که امروز جلودار مخالفان این رای بود تلاش کرد با ترسیم سناریوهایی به خطرات بالقوه این مصونیت قضایی اشاره کند.

یکی از سناریوهایی که قاضی سوتومایر ترسیم کرد چنین بود که اگر رئیس جمهوری «به تنگ‌داران دریایی دستور دهد که یکی از رقبای سیاسی او را ترور کنند»، رئیس جمهوری از «مصونیت قضایی برخوردار خواهد شد» چرا که این در محدوده اختیارات قانونی و رسمی پریزیدنت است.

در سناریویی دیگر او گفت «اگر رئیس جمهوری برای ماندن در قدرت با دستور به نظامیان کودتا کرد چه؟ مصون است. اگر برای عفو یک محکوم رشوه گرفت چه؟ مصون است. مصون است.

قاضی سوتومایر گفت: حتی اگر این سناریوهای کابوس وار هیچ وقت تحقق نیابند که من دعا می‌کنم هرگز تحقق نیابند، باز هم (به دموکراسی) صدمه وارد شده است... اکنون در هر حیطه از اختیارات قانونی رئیس جمهوری، او همچون پادشاه از قانون بالاتر است.

قاضی سوتومایر در سخنان خود همچنین به ماجرای واترگیت و ریچارد نیکسون اشاره کرد و گفت علت این که جرالد فورد، بعد از به قدرت رسیدن ریچارد نیکسون را عفو کرد این بود که در آن زمان کسانی که موضوع رسوایی واترگیت را بررسی می‌کردند با این پیش فرض به موضوع می‌پرداختند که که نیکسون مصونیت ندارد و پس از استعفا و خروج از کاخ سفید می‌توان او را محاکمه کرد.

ایران تهدیدی بالقوه برای ایالات متحده

ایران با غلبه بر تحریم‌ها و کاهش مشکلات اقتصادی تهدیدی بالقوه برای ایالات متحده است

«تریپتا پارسی»، نایب رئیس اجرایی اندیشکده «کوئینسی» در تحلیلی به موقعیت خارجی ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری پرداخته و با اشاره به اینکه ایران به طور فزاینده‌ای بر ایجاد روابط با روسیه و چین متمرکز شده است، می‌گوید:

تجارت دو جانبه ایران با چین و روسیه در حال رشد است؛ تجارت نفت خام ایران با چین اکنون روزانه ۱۵۰ میلیون دلار درآمد ایجاد می‌کند و روسیه و ایران نیز به شرکای نزدیک تجاری و متحدان نظامی تبدیل شده‌اند.

به گفته او ایران به همراه چهار عضو جدید دیگر به گروه بریکس (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) پیوست و گامی دیگر برای غلبه بر تأثیر تحریم‌های ایالات متحده و انزوای بین‌المللی برداشت.

این اقدام می‌تواند مشکلات اقتصادی آن را کاهش دهد و همچنان تهدیدی بالقوه برای ایالات متحده باشد. همچنین «دانا اشترویل»، مدیر پژوهش‌های مؤسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک نیز تشکیل محور تجدیدنظرطلب روسیه - ایران - چین را به معنای به چالش کشیدن امنیت و حاکمیت شبکه متحدان و شرکای ایالات متحده دانسته و معترف شده است که این محور یکی از مهم‌ترین و فوری‌ترین اولویت‌های امنیتی این قرن است.

تسویه سیاسی بالبنان



نشریه صهیونیستی بیلد آلمان (این نشریه به صورت مستقیم توسط صهیونیست‌ها مدیریت می‌شود و از نشریات چاپ سرزمین‌های اشغالی به مراتب تندتر است. بیلد در طول چند دهه گذشته بازوی تبلیغاتی، رسانه‌ای و تربیون رسمی صهیونیست‌ها در آلمان بوده است) در گزارش مدعی شده که منابع دیپلماتیک رسمی به این نشریه خبر داده‌اند که اگر حزب‌الله به حملات خود به شمال فلسطین اشغالی ادامه دهد، ارتش رژیم اشغالگر دست به یک عملیات گسترده و پر حجم زمینی علیه لبنان خواهد زد.

البته آنچه که این نشریه گفته نکته خیلی خاصی ندارد و در طول ۹ ماه گذشته بارها توسط مقامات مختلف رژیم صهیونیستی تکرار شده و هر بار نیز یک تاریخ خاص برای این حمله در نظر گرفته شده که هیچکدام عملیاتی نشده‌اند. اصولاً کسی که بخواهد حمله کند، تاریخ و زمان را نمی‌گوید و بر همین اساس باید گفت این گزارش بخشی از بازی روانی و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی برای آلمانی‌ها است که در لبنان کسی آن را جدی نمی‌گیرد.

نه تنها حزب‌الله با ۱۰۰ هزار نیروی رزمی، بلکه دیگر گروه‌های مقاومت با همین تعداد نیرو و استعداد کامل برای ورود به شمال فلسطین اشغالی لحظه‌شماری می‌کنند. حماقت رژیم صهیونیستی در حمله احتمالی به لبنان دادن پاس گل طلایی به مقاومت برای آزادسازی و پاکسازی بخش‌های مهم و وسیعی از شمال فلسطین اشغالی است که متعلق به لبنان است. در طول دو سه روز گذشته نتانیاهو و گالانت هر دو پیام‌هایی را مبنی در «تسویه سیاسی» با لبنان بر زبان رانده‌اند...

اشتباه صهیونیست‌ها و بازسازی ارتش مقاومت در غزه

کریم جعفری



و نابودی زیرساخت‌ها و منازل مردم را دیده بودند.

این مساله اثر شگرفی در مردم غزه داشت و باعث شد تا مقاومت وقتی خواست عملیات بزرگ طوفان الاقصی را انجام دهد با خیال راحت دست به این اقدام بزند، چرا که مردم غزه حامی کامل مقاومت بودند و پس از ۱۷ سال محاصره برایشان مرگ در جنگ با مرگ در گرسنگی هیچ تفاوتی نمی‌کرد. این بزرگ‌ترین و مهمترین حماقت رژیم کودک‌کش صهیونیستی بود. آن‌ها فکر می‌کردند با محاصره و فشار بر غزه و تبلیغ اینکه مقصر حماس و گروه‌های مقاومت هستند، باعث جدایی جامعه از اصل مقاومت می‌شوند.

اما هجوم وحشیانه به غزه و کشتار بیش از ۴۰ هزار نفر زن و کودک و پیر و ویرانی بخش بزرگی از غزه نشان داد که صهیونیست‌ها اشتباه فاحشی می‌کردند. اشتباه فاحش دوم آن‌ها وقتی صورت گرفت که به صورت هدفمند دست به کشتار و ویرانی زدند. این کشتار و ویرانی، با هدف ترساندن مردم غزه و حتی منطقه صورت می‌گرفت ولی طبق معمول نتیجه عکس داشت چرا که اصولاً جنایت و خونریزی به سبک و شیوه آمریکا و رژیم صهیونیستی و سپس تلاش برای سفیدشویی در رسانه‌ها، اصلاً نتیجه نمی‌دهد.

با این کشتار و ویرانی، صهیونیست‌ها یک ملت را «متنقم» کرده‌اند؛ امروز خیلی‌ها در غزه هستند که می‌خواهند از دشمن انتقام بگیرند، آن‌ها همه کس و کار خود را از دست داده و عملاً چیزی برای از دست دادن ندارند. اگر سابق بر این در هر خانواده فلسطینی دو تا سه نفر عضو گروه‌های مقاومت بودند، امروز این گروه‌ها با سیل مردانی مواجه

هستند که می‌خواهند داوطلبانه به عضویت یگان‌های رزمی درآمده و از دشمن انتقام بگیرند. با حماقت دشمن که فکر می‌کرد می‌تواند رزمندگان فلسطینی را نابود کند، امروز ده‌ها هزار نفر حاضر هستند جای آن‌ها را بگیرند.

به عنوان مثال، منابع ویژه در گروه‌های مقاومت فلسطین اعلام کردند تمامی گردان‌های مقاومت در غزه، سیلی از درخواست جوانان غزه را برای حضور داوطلبانه در گردان‌های مقاومت در جنگ با رژیم صهیونیستی دریافت کردند. منابع نزدیک به گردان‌های الاقصی و شهید عمر القاسم گفتند این درخواست‌ها برای خدمت نظامی تنها به ۲ جنبش بزرگ حماس و جهاد اسلامی محدود نمی‌شود و به حدی

زیاد است که گروه‌های مقاومت در حال رایزنی برای تامین بودجه مالی جذب سرباز و آموزش آنها هستند.

نباید از کنار این موضوع به سادگی گذشت، جنایت دشمن، خونی که از مردم بی‌گناه غزه ریخته، ویرانی که به بار آورده درخت انتقام را چنان تنومند و پر بار کرده که به زودی شاهد تشکیل ارتشی از مقاومت در غزه هستیم که به لحاظ تعداد دو برابر و شاید هم بیشتر و به لحاظ انگیزه برای مبارزه ده‌ها برابر برادران و پدران خود قدرت دارند. بر همین اساس است که می‌گوییم دشمن یک هفت اکتبر دیگر بدهکار است و به زودی خواهد دید که این بار چه بلایی بر سر شهرک‌های اشغالی اطراف غزه در خواهد آمد... آن‌ها این بار برای همیشه آزاد خواهند شد.



دلیل اصلی ریزش بورس در این روزها چیست؟

وحید بلالی

بازار سهام بازاری است که در آن آینده خرید و فروش می‌شود و انتظارات یکی از عوامل اصلی رشد بازار سهام یا ریزش بورس است. هر چقدر خوش بینی برای خرید یک سهم بیشتر شود اقبال به آن سهم بیشتر خواهد شد و غلبه خوش بینی بر بدبینی باعث می‌شود که یک سهم هفته‌ها در وضعیت صف خرید باشد. برعکس این قضیه نیز وجود دارد یعنی غلبه بدبینی در بازار باعث می‌شود اقبال به بازار سهام به شدت کاهش یابد و یک سهم هفته‌ها و شاید ماه‌ها در وضعیت منفی و صف فروش قرار گیرد.

سازمان بورس به عنوان رگولاتور موظف است که عوامل شوک به بازار سرمایه (به ویژه شوک‌های منفی) را کنترل کند تا کلیت بازار به صورت هیجانی مثبت یا منفی نباشد و بازار به صورت کلی متعادل باشد. اما وقتی که خبرهای منفی در بازار موج بزند دیگر سازمان بورس قادر نخواهد بود بازار را متعادل کند و بورس ریزش خواهد کرد. در یک سال گذشته بازار سهام با شوک‌های بزرگی مواجه شد که پشت سر هم بودن

این شوک‌ها باعث شد بورس به یک خواب عمیق و خروج پول مواجه شود که در این گزارش علل ریزش بورس در یک سال اخیر به ویژه در روزهای اخیر بازخوانی شده است.

تغییر در نرخ خوراک صنایع

تغییر در نرخ خوراک پتروشیمی و پالایشی یکی از عوامل ریزش بورس در نیمه اول سال قبل بود که دولت سیزدهم با این شوک باعث شد بورس بیش از ۴ ماه ریزشی شود. از ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ تا شهریور ماه سال قبل، بورس با این چالش برخورد کرده و ریزش سنگینی را تجربه کرد.

یکی از شوک‌های عمیق که دقیقاً بعد از شوک نرخ خوراک صنایع به بورس ایران وارد شد، شوک جنگ غزه بود بعد از شروع جنگ غزه، بورس ایران به شدت دچار نوسان شد و بعد از کنترل کردن نوسان سرمایه‌گذارانی

که در بازار تعیین‌کننده هستند، دست‌نگه داشته و حاضر نشدند در آن مقطع وارد بورس ایران شوند.

این شوک بیش از ۶ ماه در بازار سرمایه ایران وجود داشت، با حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق به اوج خود رسید و در تاریخ ۲۵ فروردین ماه سال ۱۴۰۳ با حمله موشکی ایران در پاسخ به تجاوز صهیونیست‌ها این تنش فروکش کرد و عملاً این تنش ۷ ماه طول کشید.

تأثیر بالا بودن نرخ بهره در ریزش بورس

بالا رفتن نرخ بهره به حدود ۲۷ درصد در سال قبل یکی از عوامل اصلی ریزش بورس بود؛ با بالا رفتن نرخ بهره، ریسک سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه بیشتر شده و پول به سمت بازار بانکی (بازار بدون ریسک) و کسب سود بالا حرکت می‌کند و از این رو سیاست انقباضی دولت سیزدهم برای کنترل تورم بیشترین ضربه را به بازار سرمایه زد.

این سیاست تا به امروز نیز ادامه داشته و بانک مرکزی هنوز سودهای بانکی و بین بانکی را در محدوده بالای ۲۳ درصد نگه داشته است.

طبق تصویر نرخ بهره بین بانکی از ۲۰۸۸ درصد در سال ۱۴۰۱ به نزدیک ۲۴ درصد در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ رسیده و باعث فشار بر بازار سرمایه و همچنین بازار پول شده است. این افزایش به ضرر بانک‌های بورسی نیز بوده و باعث کاهش سود عملیاتی آنان هم خواهد شد.

شهادت رئیس‌جمهور

یکی از شوک‌های دیگر وارد شده به بازار سرمایه شهادت سید ابراهیم ریسی در حادثه تلخ ۳۱ اردیبهشت ماه بود که باعث شد بازار سرمایه یک خبر ناگوار دیگر را دریافت کند و با هیجان به شدت منفی مواجهه شود. مدیریت این شوک بسیار سخت بود، سازمان بورس اما یک اقدام سریع و هوشمندانه انجام داد و آن هم کاهش دامنه نوسان سهام‌ها به ۲ درصد بود که باعث کند شدن روند ریزشی سهام‌ها شد. این روند تا هفته اول تیر ماه ادامه یافت و عملاً در این مدت بازار سرمایه با یک قفل در دامنه نوسان مواجه شد.

ریسک تغییر دولت و مشخص نبودن تئوری اقتصادی دولت بعد

همه ۶ نامزد انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، از بازار سرمایه حمایت کرده و یکی از برنامه‌های خود را ثبات بخشیدن به این بازار معرفی کردند؛ اما فعالان بازار سرمایه منتظر هستند تا دولت جدید به مسند قدرت نشسته و با انتخاب وزرا و کابینه و بعد از آن رییس سازمان بورس پالس مثبت یا منفی را ارسال کند. اکنون فعالان بازار سرمایه منتظر هستند تا دولت جدید بر مسند بنشیند تا بتوانند طبق دولت جدید بورس را ارزیابی کنند.

تغییر نکردن نرخ دلار نیما

فاصله زیاد نرخ دلار نیما و بازار آزاد یکی از عواملی است که سهام‌ها زیر ارزش

ذاتی خود قیمت‌گذاری شوند و از این رو انگیزه‌ای برای خرید سهام وجود ندارد و یکی از عوامل نوسان طولانی بورس و ریزشی شدن نرخ نیما است.

از دست رفتن انواع تحلیل بنیادی و تکنیکال و تابلوخوانی

نهادهای مالی حقوقی و فعالان حقیقی حرفه‌ای بازار سرمایه برای ورود به این بازار استراتژی معاملاتی خاصی دارند. این استراتژی بر مبنای ارزش‌گذاری یک سهم بر اساس دارایی‌ها، سودسازی و پیش‌بینی دقیق از وضعیت آینده یک شرکت است.

وقتی که بازار سرمایه با ابهامات زیادی روبرو می‌شود پیش‌بینی بنیادی سهم‌ها به شدت مشکل می‌شود و بنابر این نمی‌توان قیمت و ارزش سهم را به دست آورد و به همین علت در این وضعیت تحلیل‌های بنیادی، تکنیکال و تابلوخوانی نتیجه‌ای ندارد و تا زمانی که ابهامات و موانع بازار رفع نشوند نمی‌توان برآورد دقیق قیمتی از یک سهم ارائه کرد.

خستگی، ناامیدی و بلاتکلیفی سرمایه‌گذاران

وقتی که چند شوک به بازار سرمایه وارد می‌شود باعث ترس سرمایه و فرار سرمایه به بخش‌های دیگر اقتصاد می‌شود و از این رو در سال گذشته سهامداران با انواع و اقسام شوک‌های سیاسی، بین‌المللی و اقتصادی مواجه شدند که اولین تأثیر را بر بازار سهام گذاشت.

در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران پول‌ها را از بورس به بازارهای دیگری انتقال می‌دهند؛ برخی به بازار ملک و برخی به سودهای بانکی بسنده کرده و از این رو بازار سهام با کمبود پول برای رشد مواجه شده است.

دو عامل با بیشترین اثر بر بازار سرمایه

دو عامل نرخ بهره و نرخ نیما بیشترین تأثیر را بر بازار سرمایه در ریزش و نوسان داشته و اگر دولت جدید بتواند این دو عامل را متعادل کند بورس می‌تواند بعد از ماه‌ها روی آرامش و ثبات دیده و روند صعودی بازار سرمایه آغاز شود.



به ۱۷ کشور دنیا صادرات نفت داریم

تخفیف کمتر از انگلستان دست است

جواد اوجی وزیر نفت: با اقداماتی که انجام دادیم به بیش از ۱۷ کشور دنیا صادرات نفت داریم و تخفیف‌ها هم کمتر از انگلستان دست است.

در جنگ اقتصادی هستیم و هیچ فرماندهی آمار پایگاه‌های خود را لو نمی‌دهد. عده‌ای دائماً در حال تحریف دستاوردها هستند. اگر پول نفت نمی‌آمد ثبات بازار ارز یا تامین کالاهای اساسی چگونه تامین می‌شد؟



رشد تخصیص ارز به تولید

ذخایر ارز و طلای کشور افزایش یافت

محمدرضا فرزین اظهار داشت: یکی از اهداف اساسی ما افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی بوده و اطمینان می‌دهم که ذخایر آزاد ارزی و ذخایر طلای بانک مرکزی در حال افزایش است.

وی افزود: با ایجاد مرکز مبادله ارز و طلای ایران، ارز کالاهای اساسی را با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان بر اساس مصوبه مجلس و تامین ارز سایر کالاهای اساسی را با نرخ در یک کانالی که متغیر و شناور است، تامین کرده‌ایم تا تعادل بنگاه‌های تولیدی به هم نریزد.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه طبق آمار رسمی، هر سال میزان تخصیص و تامین ارز به بخش تولید افزایش یافته است، گفت: خوشبختانه با راه‌افتادن مرکز مبادله تسلط بیشتری بر بازار ارز داریم و بهتر توانستیم ارز اختصاص دهیم و قیمت ارز را کنترل کنیم. فرزین با اشاره به کنترل و کاهش تورم، بیان کرد: بخشی از کاهش تورم به دلیل موفقیت سیاست ارزی بوده است.

به گفته وی، وقتی رشد محقق شده و رشد تشکیل سرمایه افزایش پیدا کرده است، یعنی ارز لازم برای تشکیل سرمایه به خوبی تخصیص داده شده است.

مسئله «ناترازی بنزین» فقط راهکار قیمتی دارد؟

سعید نوری کرم



بحث درباره بنزین در روزهای اخیر دوباره شدت گرفته است. فارغ از نگاه‌های سیاسی، شناخت وضعیت میدانی و محتوایی در بحث بنزین اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع مسئله اصلی، قیمت بنزین نیست، بلکه قیمت بنزین به عنوان راهکار دوباره مسئله اصلی که «ناترازی بنزین» است، مطرح می‌شود. در گزارش حاضر تلاش شده است مسئله ناترازی بنزین به طور شفاف بیان شود و راهبردهای مقتضی ارائه گردد.

ناترازی حدود ۱۰ میلیون لیتری بنزین در کشور

در سال ۱۴۰۲، به ترتیب حدود ۱۱۸ و ۱۱۷ میلیون لیتر در روز بنزین تولید و مصرف شده که با فرض ادامه روند رشد مصرف نسبت به سال‌های گذشته، پیش‌بینی می‌شود میزان مصرف این فرآورده در سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۲۸ میلیون لیتر در روز افزایش پیدا کند که در این صورت، کشور با ناترازی حدود ۱۰ میلیون لیتری بنزین و هزینه بیش از ۲ میلیارد دلاری واردات بنزین مواجه خواهد بود.

مصرف بنزین تا سال ۱۴۱۰ به حدود ۱۵۴ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد

بنزین تنها فرآورده پالایشگاهی است که تولید آن از مصرفش کمتر است. مصرف بنزین در سال ۱۳۹۷ حدود ۸۹ میلیون لیتر در روز بوده، در حالی که مقدار تولید آن در همان سال حدود ۸۱ میلیون لیتر در روز بوده است. این میزان از مصرف موجب شد تا کشور نیاز به واردات بنزین داشته باشد. اما با افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج فارس، تولید بنزین کشور در سال ۱۳۹۸ به حدود ۹۷ میلیون لیتر در روز افزایش یافت و ایران به صادرکننده بنزین تبدیل شد. در نمودار زیر میانگین مصرف بنزین طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ آمده است. هر چند که مصرف بنزین در پی شیوع کرونا، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۰، میانگین نرخ رشد ۶ درصدی را نشان می‌دهد و در صورت ادامه‌ی این روند رشد، پیش‌بینی می‌شود که مصرف بنزین تا سال ۱۴۱۰ به حدود ۱۵۴ میلیون لیتر در روز افزایش یابد.

عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی ریشه مسئله ناترازی بنزین

یکی از ریشه‌های اصلی ناترازی بنزین عدم توجه و سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی است. به‌عنوان نمونه پالایشگاه‌سازی یکی از بخش‌های زیربنایی محسوب می‌شود. اما در سه دهه اخیر به آن توجه نشد و بعد از ساخت پالایشگاه بندرعباس، پالایشگاه نفت خام دیگری در کشور احداث نشده است. البته پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج فارس در دهه اخیر ساخته شد و این پالایشگاه حدود ۴۰



چرا همینگوی خودکشی کرد؟

مجید اسطوری

دوازدهم تیر (دوم ژوئیه) سالروز درگذشت نویسنده سرشناس آمریکایی «ارنست میلر همینگوی» (زاده ۱۸۹۹- درگذشته ۱۹۶۱) خالق رمان مشهور «پیرمرد و دریا»ست. به همین بهانه شما را به خواندن یادداشتی درباره زندگی و مرگ همینگوی میهمان می‌کنیم.

زندگی آمریکایی و مرگ آمریکایی

هنرمندان همسایه‌ی دیوار به دیوار افسردگی‌اند. معمولاً در فیلم‌ها و سریال‌ها یک شاعر، یک نویسنده یا یک نوازنده را در حالی می‌بینیم که ساده‌تر از نابهنگام شاد شدن، آماده‌ی رنجیدن و به گوشه‌ای خزیدن است.

سوآلی که پیش می‌آید این است که چرا این اتفاق می‌افتد؟ ولی سؤال فوری‌تر این است که بعد چه بلایی سر او می‌آید؟ ممکن است او کم‌کم بهبود پیدا کند. ممکن است تا پایان عمر وضعیت ناپایداری را تجربه کند و ممکن است به آخر کار برسد: خودکشی!

چه کسی از درون تو را می‌کشد؟

ارنست همینگوی یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان آمریکایی قرن بیستم بود که با نوشتن آثار درخشانی چون «وداع با اسلحه»، «زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آید» و «پیرمرد و دریا» تأثیری غیرقابل انکار بر رمان‌نویسی آمریکا و بلکه جهان گذاشت. با این حال او در دوم جولای ۱۹۶۱ بعد از سپری کردن یک دوره‌ی درمان افسردگی که اعلام شده بود موفقیت‌آمیز بوده، با تفنگ دولول محبوبش مغز خود را متلاشی کرد.

دکتر اروین یالوم، روانشناس برجسته‌ی امروز جهان که به‌عنوان یک رمان‌نویس چیره‌دست نیز شناخته می‌شود در کتاب بنیادین خودش به نام «رون‌درمانی اگزیستانسیال»، در بخش مربوط به مرگ (به‌عنوان یکی از چهار دلواپسی غایی انسان که می‌تواند به روان‌نژندی منتهی شوند) به مورد خاص ارنست همینگوی می‌پردازد. اروین یالوم نشان می‌دهد اگر انسان نتواند با نزدیک شدن به پیری و مرگ، دیدگاهش را تغییر دهد و آماده پذیرفتن عبور از این بل شود، چه سرنوشتی در انتظارش خواهد بود.

یالوم اسم این سوشناخت را «قهرمانی‌گری اجباری» می‌گذارد و درباره‌ی وضییتی که همینگوی در سال‌های واپسینش می‌گذراند، می‌نویسد:

«ارنست همینگوی بهترین نمونه‌ی قهرمان اجباری همه‌ی عمر به‌ناچار در جست‌وجوی خطر و غلبه بر آن بود و این شیوه‌ای عجیب بود برای اثبات اینکه خطری در کار نیست. مادر همینگوی گفته است یکی از نخستین جملاتی که ارنست به زبان آورد این بود: «از هیچ چیزی نمی‌ترسم!» طنز ماجرا در این است که او دقیقاً از هیچ چیزی نمی‌ترسید زیرا مانند همه‌ی ما از هیچی و نیستی می‌ترسید. بنابراین قهرمان همینگوی مظهر لگام‌گسیختگی راه‌حل فردی و مستقلی است برای کنار آمدن با موقعیت انسانی. این قهرمان انتخاب نمی‌کند. اعمالش سائق‌وار و سواس‌گونه است. از تجربیات جدیدش چیزی نمی‌آموزد. حتی نزدیک شدن مرگ، نگاهش را به درون بر نمی‌گرداند یا بر درایتش نمی‌افزاید. در راه و رسم همینگوی جای برای پیری و نقصان نیست، چون این‌ها رنگ و بوی روزمرگی دارند. در «پیرمرد و دریا»، سانتیاگو با مرگ قریب‌الوقوعش به شیوه‌ای کلیشه‌ای و قالبی روبه‌رو می‌شود.»

در واقع یالوم می‌گوید همینگوی با آن همه تجربیات قهرمان‌گونه‌ی حیرت‌انگیز مثل مجروح شدن در جنگ داخلی اسپانیا و شکار گوزن و فیل در آفریقا، تحمل کمی برای یک زندگی ساکت و آرام معمولی که رو به پیری می‌رود، داشت. اما در بیشنی از این هم عمیق‌تر و بی‌برده‌تر، رولو می، روانشناس فیلسوفی که بسیار مایه‌ی الهام یالوم بوده است، به ریشه‌های فرهنگی‌اجتماعی این سوءشناخت می‌پردازد. او در کتاب خواندنی «عشق و اراده»، ناکامی همینگوی در آشتی با سرنوشت را با ناتوانی جنسی او – در بستری فرهنگی که به قدرت مردانه اهمیت بیش از اندازه‌ی بخشیده است – پیوند می‌زند. توصیفات او از جبرگرایی فرهنگی را که مردانگی را در قدرت جنسی خلاصه می‌کند باید کنار عکس معروف همینگوی برهنه بگذاریم. در این عکس او همان تفنگی را به دست دارد که با آن خودش را کشت و با



روایتی‌هایی از شهید عباس دوران

کتاب «شبیه افسانه‌ها» نوشته مجید ایزدی به تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب روایت‌هایی درباره خلبان سرلشکر شهید عباس دوران است.

نویسنده در این کتاب تلاش کرده ادای دینی به خلبان شهید عباس دوران یکی از اسطوره‌های دفاع مقدس داشته باشد که به خاطر عملیات استشهادی و ناامن کردن اجلاسیه سران غیرمتعهدها در بغداد، نامش در بین قهرمانان ایران ماندگار شده است.

«شبیه افسانه‌ها» علاوه بر مصاحبه‌های شفاهی و بررسی دست‌نوشته‌های شهید، چکیده‌ای است از تحقیق در کتب و مقالات مختلف که در باب زندگی شهید عباس دوران و خلبانان نیروی‌هوایی نگاشته شده تا چهره کامل‌تری از زندگی و رشادت‌های شهید را به علاقمندان نشان دهد.

کتاب در سه فصل «زمین تا آسمان؛ روایت‌هایی از کودکی تا آغاز جنگ»، «پلندای آسمان جایگاه من است! گزارش‌های روزنوشت عباس، چهار ماه اول جنگ» و «از آسمان تا عرش؛ روایت‌هایی از آغاز جنگ تا شهادت» به مرور خاطرات شهید عباس دوران از دوران کودکی تا زمان شهادت پرداخته است.

منبع خاطره‌ها، با ذکر شماره در داخل قلاب، در انتهای هر خاطره آمده است. همچنین، سعی شده در خلال خاطرات شهید، نام دیگر خلبانان شجاع نیروی هوایی ایران و حماسه‌های آن‌ها با شرح کاملی از عملیاتشان آورده شود تا به این بهانه، بار دیگر بخشی از حماسه بی‌نظیر عباس دوران و هم‌زمانش در تاریخ دفاع‌مقدس مرور و به شکلی دیگر ثبت شود.

در پایان کتاب فصلی با عنوان «و اینک عباس دوران» وجود دارد که به بیانات مقام معظم رهبری در وصف شهید عباس دوران، توضیح برخی اصطلاحات کتاب، کتاب‌نامه و عکس شهید دوران و برخی هم‌زمان او آورده شده است.

این کتاب با ۲۷۹ صفحه، شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه و قیمت ۲۲۵ هزار تومان عرضه شده است.

دفاع مقدس باید وارد گفتمان فرهنگی جامعه شود

غلامرضا اعوانی - کیانوش عیاری - محمدحسن شاهنگی

نشست نقد و بررسی «سینما و روایت از جنگ» در خانه اندیشورزان علوم با مشارکت گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد؛ در این نشست دکتر غلامرضا اعوانی، کیانوش عیاری، کارگردان سینما و محمدحسن شاهنگی عضو شورای علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به سخنرانی پرداختند.

دفاع مقدس باید وارد گفتمان فرهنگی جامعه شود

غلامرضا اعوانی در ابتدای این نشست طی سخنانی اظهار کرد: بزرگان فلسفه اجتماعی، هنر-صنعتی مانند سینما را ابزاری برای شکل دادن به افکار، نگرش‌ها و بینش‌های مردم می‌دانند؛ همانطور که سینما می‌تواند با نشان دادن واقعیت جامعه، نقشی شایسته ایفا کند، می‌تواند در جهت دادن و سمت و سو بخشیدن به افکار مخاطبانش در مسیر دلخواه فیلمسازان یا سیاستمدارانی که بر تولید فیلم‌ها نظارت دارند نیز عمل کند و این کارکردی مهم و ارزشمند است.

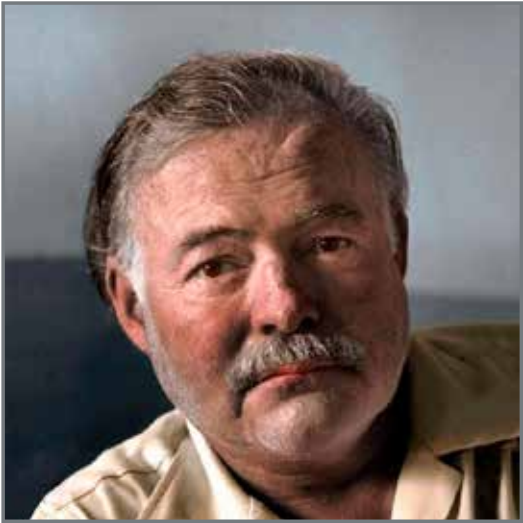
این چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: نظریه شکل‌دهی و مکتب فرانکفورت، رسانه‌های گروهی و از جمله سینما و تلویزیون را ابزارهای نیرومندی برای شکل‌دهی به فرهنگ توده‌وار می‌دانند؛ در خصوص سینمای دفاع مقدس در همین امتداد می‌توان گفت ارزش‌های جاری در فرهنگ جبهه و دفاع مقدس جزء ارزش‌های اجتماعی باید قلمداد شوند؛ چراکه به سطح ارزش‌های ملی-مردمی می‌رسند و دغدغه حفظ آنها مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود؛ این ارزش‌ها با توجه به جذابیت و عمقی که دارند، می‌توانند در فضایی نو همراه با قالبی مناسب به عرصه گفتمان فرهنگی وارد شوند و موج‌آفرینی و جریان‌سازی کنند.

وی در ادامه گفت: یکی از زنده‌ترین ژانرهای سینمایی در سراسر دنیا

مهمی به نام قهرمان‌سازی و اسطوره‌پروری دارد؛ حتی ملت‌هایی که جنگ واقعی را تجربه نکرده‌اند، به سراغ روایت جنگ‌های تخیلی و فضایی می‌روند تا به نوعی روایت تقابل و پیروزی را به بیننده و مخاطب خود عرضه دارند. این کارگردان ادامه داد: تضادهای جالبی در دل سینمای جنگ وجود دارد که برای مخاطب جهانی قابل توجه است؛ یکی از این تضادها تقابل انسانیت مظلوم و خوی درنده‌خوی متجاوز است؛ این تضاد برخاسته از فطرت پاک انسانی است و در سینمای موج نو اروپا هم خریدار دارد و در سینمای آسیای جنوب شرقی هم مدتی است در اولویت قرار گرفته است. سینمای دفاع مقدس در ایران بعضاً به سمت معناگرایی گرایش داشته است، اما در این زمینه تجربه موفقی را دشت نکرده‌ایم و باید آزمون و خطاهای بیشتری داشته باشیم.

وی افزود: در این زمینه بد نیست تجربه زیسته کشوری مثل ژاپن را مرور کنیم. ارائه قرأت هرموتیک‌ی از جنگ چندان درست نیست؛ جنگ، جنگ است با همه زشتی‌ها و رنج‌هایش؛ اما شیوه تصویرگری از آن مهم است به گونه‌ای که مخاطب را با سرباز حاضر در میدان جنگ همراه کند. همراهی و عدم انفکاک خانواده سرباز از او در این مسیر باید مورد دقت قرار گیرد؛ دوپارگی در این زمینه خطرناک است و موجبات تشکیک در فرهنگ جنگ را پدید می‌آورد.

در بخش دیگری از این نشست محمدحسن شاهنگی طی سخنانی اظهار کرد: تردیدی نیست که دفاع مقدس، دفاع از انقلاب اسلامی است؛ از این رو نباید دفاع مقدس به دفاع از وطن و خاک محدود شود. سینمای دفاع مقدس، گونه‌های خاص از سینمای ایران است که شاخص‌های مضمونی آن برگرفته از فرهنگ جهاد و مقاومت است؛ دفاع مقدس، علاوه بر حفظ و بقای کشور و نظام جمهوری اسلامی، به خلق فرهنگ دفاعی جدیدی در تاریخ ایران منجر



داد که او همان‌گونه که گفته بود به‌شدت تحت تعقیب بود. حتی یکی از روان‌پزشکان کلینیک مایو در روچستر مینه‌سوتا که او در آنجا تحت مداوا بود با افسی‌آی تماس گرفت و اجازه خواست تا به بیمار خود که از بازجویی و تحقیق و تفحص افسی‌آی نگران بود، بگوید که افسی‌آی هیچ نگرانی‌ای نسبت به ثبت‌نام او با اسم جعلی ندارد. طنز این قضیه قلب‌ها را به درد می‌آورد. اینکه افسی‌آی نسبت به تأثیر مخرب و زیان‌بار تعقیب و جاسوسی مداوم بر سلامت روانی همینگوی نگران بوده یا خیر، مشخص نیست. هوجنر دوست همینگوی که زندگی‌نامه‌اش را به رشته‌ی تحریر درآورد، پنجاه سال پس از خودکشی همینگوی شرح حالی از زندگی او نوشت و در آن پذیرفت که به وضعیت روحی آشفته‌ی همینگوی چندان توجه نکرده است: «در سال‌های پس از مرگ ارنست تلاش کردم تا ترس و هراس او از افسی‌آی را که متأسفانه قضاوت درستی در مورد آن نداشتم با واقعیت استاد و مدارک افسی‌آی تطبیق دهم. الان معتقدم که او به‌درستی به تعقیب خود آگاه بود و همین موضوع به‌شدت بر نگرانی و اندوه و در نهایت خودکشی‌اش تأثیر گذاشته است.» با این حال همینگوی فقط از سوی افسی‌آی تحت تعقیب نبود و وزارت خارجه نیز به‌اجبار او را وادار به ترک کوبا کرد، در حالی که همینگوی علاقه‌ی بسیاری به این جزیره داشت. همان‌طور که دیدیم او به‌طور هوشمندانه‌ای توسط تبلیغات جنگ سرد نشريات سیا به چهره‌های شناخته‌شده تبدیل شد و توسط پاریس ربویو به بسیاری از این نشريات راه یافت. اگر دولت آمریکا با ترساندن، تعقیب کردن و گاهی تحریک آمریکایی‌ها به‌سمت خودکشی، درصد بود تا اروپایی‌ها، آسیایی‌ها، آفریقایی‌ها و مردمان آمریکای لاتین را از کمونیسم دور کرده و به‌سمت آمریکا متمایل کند، شاید این سیاست نیاز به بازبینی داشت.»

ویتی در بررسی مفصلی که راجع به ایام سکونت همینگوی در کوبا انجام داده نشان می‌دهد چطور سیا با حساسیت فراوان همه‌ی رفت و آمدها و مکاتبات همینگوی را زیر نظر داشته و فراتر از آن سعی می‌کرده از قلم یا گفته‌های او مطالبی در راستای سیاست‌های دولت آمریکا به دست آورد. بنابراین تمام داستان‌هایی که از توهم پارانویا به‌عنوان علت خودکشی همینگوی می‌گویند، جای تردید دارند. فشار روانی ناشی از جاسوسی حتماً نقش مهمی در وخامت حال همینگوی و رسیدن او به پایان خط داشته است.

نه این متن و نه هیچ متن دیگری نمی‌تواند مدعی باشد که نقطه‌ی پایانی بر جست‌وجوی کشف علت خودکشی همینگوی گذاشته است. این متن لااقل می‌تواند ادعا کند که هرگونه یک‌جانبه‌نگری و معرفی کردن یک دلیل به‌عنوان تنها دلیل خودکشی این نویسنده کاری غلط است. بررسی دلایل نزدیک شدن یک بیمار به موقعیت خودکشی بحثی کاملاً علمی است و در مورد خاصی مثل ارنست همینگوی که پدر، یک خواهر، یک برادر و در دهه‌ی نود میلادی یکی از نوه‌هایش خودکشی کرده‌اند اظهار نظر کردن بر اساس یک عامل، کاری نسنجیده است.



شد که از آن به فرهنگ دفاع مقدس یاد می‌شود؛ همین فرهنگ می‌تواند گره‌گشایی از مشکلات جاری در کشور ما کند.

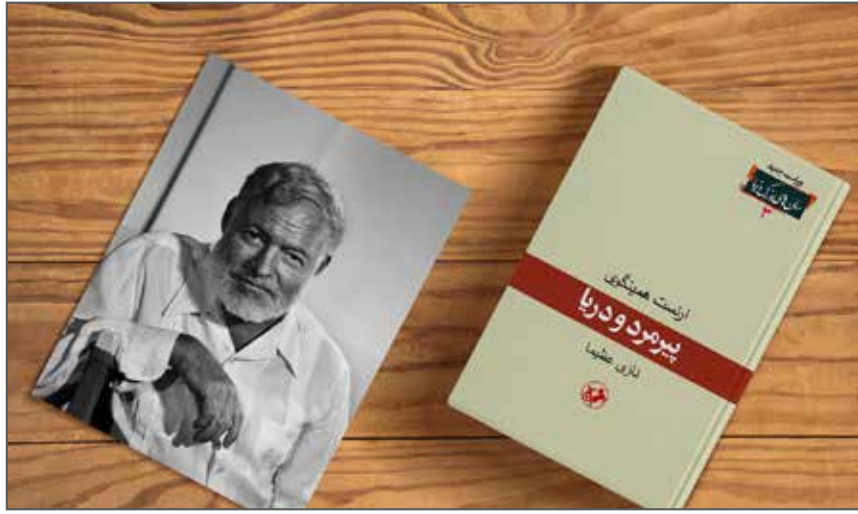
وی افزود: در واقع یک حماسه برای آنکه زنده، ماندگار و از تحریف مصون بماند و همچنان روح حماسی یک ملت را شاداب نگاه دارد، باید به طور صحیح، ثبت و روایت و ایجاد گوناگون آن به‌طور دقیق‌تیین شود و رسالت سینمای دفاع مقدس دقیقاً همین است.

شاهنگی تصریح کرد: بسیاری از مخاطبان امروز و خصوصاً جوانان از جنگ تحمیلی اطلاعات زیادی ندارند، سینمای دفاع مقدس می‌تواند جور این کم‌اطلاعی را بکشد، در سینمای جنگ، می‌توان زندگی در شرایط سخت را به تصویر کشید و به نوعی می‌توان سبک زندگی مقاومتی را در آن مطرح کرد؛ موفق‌ترین آثار جنگی در جهان آثاری هستند که به جای قهرمان‌های تکنفره به سراغ روایت از ملت قهرمان می‌روند به عبارت دیگر از قهرمان جمعی یاد می‌کنند و از لایه‌ها و طبقات اجتماعی‌ای در کنار هم اسم می‌برند که با در کنار هم بودن در برابر مرارت‌ها ایستاده‌اند و در نهایت هم پیروز می‌شوند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



چرا همینگوی خودکشی کرد؟

ارنست همینگوی یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان آمریکایی قرن بیستم بود که با نوشتن آثار درخشانی چون «دو با اسلحه»، «نگ‌ها برای که به صدا در می‌آید؟» و «پیرمرد و دریا» تأثیری غیرقابل انکار بر رمان‌نویسی آمریکا و بلکه جهان گذاشت.

دفاع مقدس باید وارد گفتمان فرهنگی جامعه شود

مفهوم جنگ مقدس از دوران جنگ‌های صلیبی مطرح بوده و همیشه در طول تاریخ کاروبزه‌های تهییجی و تبلیغی خاص خود را داشته است.

سفره دلت را نزد دشمنان باز نکن...
چون در فکر ضربه زدن اند!

(سوره آل عمران آیه ۱۱۸)



ویلموتس گیت یادمان هست آقای تاج!

دنیا حیدری



سرانجام می‌رسد یا همانند داستان ویلموتس به دست فراموشی سپرده می‌شود، رئیس فدراسیون ادعای برخورد با هزار تومان تراکنش مالی غیرسالم را مطرح می‌کند! به نظر می‌رسد تاج باید

بعد از پروژه‌های ناکام و پرحرف و حدیثی، چون ویلموتس گیت که متخلفان آن همچنان آزادانه در فدراسیون بر سر کار هستند، یا قانون سقف بودجه که در عین ناباوری به سادگی هر چه تمام‌تر ملغی شد تا ضعف فدراسیون در مقابله با فساد مالی و ریخت‌وپاش‌ها را به رخ بکشد، اول برادری خود را ثابت و بعد از آن ادعاهایی این چنینی برای برخورد با متخلفان مالی را مطرح کند. تاج هنوز هم مقصر اصلی ویلموتس گیت است و بولی که از جیب ملت به جیب سرمربی بلژیکی روانه شد، مقصری که بار دیگر در رأس امور قرار گرفته و حالا ادعایی را مطرح می‌کند که قبولش کار چندان ساده‌ای نیست، آن هم درست چند روز بعد از آنکه شایعه اتهامی دیگر مطرح شد.

هر چند که هنوز هیچ‌کس نمی‌داند تهمت رشوه ۲۰۰ سکه‌های تا چه اندازه صحت دارد و تا چه حد شایعه است، اما همه می‌دانند که چه کسی پای ویلموتس را به ایران باز کرد. چه کسی با او قرارداد بست و چه کسی باعث یک ضرر مالی دهشتناک بابت حضور ناموفق او روی نیمکت تیم ملی به فوتبال ایران شد. مقصری که هرگز نه با او و نه با همدستانش برخورد نشد و حالا او خود وعده برخورد با متخلفان مالی را می‌دهد، بی‌آنکه نگاهی به گذشته و پشت سرش داشته باشد! اما با این پیشینه مشخص آیا می‌توان به صحبت‌های تاج برای برخوردی که وعده‌اش را می‌دهد، اعتماد کرد؟

نمایش درست بعد از پایان لیگ بیست و سوم آغاز شد، همان زمان که زمزمه‌های تکراری سقف بودجه و نظارت بر قراردادهای و تلاش برای ممانعت از پرداختی‌های نجومی را بر سر زبان‌ها انداخت. دیگر کمتر کسی است که نداند تمام این شعارها برای خالی نبودن عریضه است و ترفندی جهت گرم کردن سر مردم برای خالی کردن بیت‌المال.

با وجود این گاهی برخی ادعاها و اظهارنظرها رسماً توهین به شعور مخاطب است، درست مثل آنچه تاج در نخستین نشست صیانت فوتبال برای فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر به زبان آورده است. هر چند خود این نشست هم که با حضور رئیس و مسئولان فدراسیون و همچنین مقامات ذی‌ربط با موضوع بررسی روند مربوط به نقل و انتقالات باشگاهی، وضعیت واسطه‌های نقل و انتقالاتی و فعالیت‌های آنان و برنامه‌ریزی جهت نظارت دقیق بر بازار نقل و انتقالات برگزار شد، جای سؤال است و تجربه نشان داده نباید انتظار خروجی مثبتی از آن داشت، اما آنچه بعد از این جلسه نظرها را به خود جلب کرد، تأکید رئیس فدراسیون به برخورد جدی با تخلفات مالی بود: «به صراحت اعلام می‌کنم که حتی هزار تومان تراکنش غیرسالم مالی هم در صورت اثبات در این باب تخلف قطعی بوده و قطعاً فدراسیون فوتبال هم حسب گزارش‌های دریافتی از مقامات ذی‌ربط برخورد جدی خواهد داشت.»

مسئله این نیست که او فصل گذشته تا چه اندازه در این مورد خاص موفق عمل کرده، حتی مسئله این نیست که او با تمام تأکید و ادعایی که داشت، صراحتاً از قانون سقف بودجه به دلیل عدم همکاری یک تیم خاص عقب‌نشینی کرد و پاپس کشید. مسئله این است که هنوز افکار عمومی ویلموتس گیت را فراموش نکرده، با شایعه رشوه ۲۰۰ سکه‌ای به رئیس فدراسیون فوتبال مواجه شده و درست در چنین شرایطی که همه مبهوت روشن شدن تکلیف آن ۲۰۰ سکه هستند و نمی‌دانند پرونده‌اش به

دلالتان و مدیران باهم هماهنگ هستند



فریاد شیران، پیشکسوت فوتبال:

مثلی در نظر بگیرید: مدیرعامل فاسد، مربی فاسد و دلال فاسد. یکی را قیچی کنید. یکی را مثلاً دلال با مدیرعامل بسته که یک بازیکنی که اصلاً ارزش بازی کردن ندارد، خارجی یا ایرانی بی‌اورد. من مربی قبول نکنم چه می‌شود؟ آقا یک بار نشد به ما بازیکن تحمیل کنند

گاریدو به تهران خواهد آمد



رضا درویش، مدیرعامل پرسپولیس:

- مجوز گاریدو؟ فقط یک سری از مدارک کامل نبود. مدارک را ارسال کردیم و احتمالاً تا فردا مجوز صادر شده و گاریدو هم تا چند روز آینده به تهران خواهد آمد.
- سازمان لیگ هنوز پول تبلیغات فصل گذشته را واریز نکرده است.
- در باره بیرانوند، ترابی و اسماعیلی فر نامه زدیم و تا آخر هفته منتظر هستیم.
- از بانک شهر تشکر می‌کنم. هنوز با چهار بانک جلسه‌ای نداشتیم و کمکی هم از سوی آنها دریافت نشده است.

همه جور حمایت کنید

شیوا نوروزی



به عنوان مسئول فنی و کشتی‌گیر در المپیک حاضر بودم. در دو دوره فقط به عنوان کشتی‌گیر آنجا بودم و می‌دانم کار آنجا چقدر سخت است. این حرف‌ها را می‌گویم که بار را روی دوش کشتی‌نیزانند. کشتی‌یک مدال طلا بگیرد، برنده است و باید کلاهمان را بالا ببندیم و خدا را شکر کنیم. می‌خواهم فشار روی دوش بچه‌ها نباشد و راحت تمرین کنند. بچه‌های ما حرفه‌ای هستند، تجزیه و تحلیل می‌کنند و حرفان را می‌شناسند. اینطور نیست که، چون میرزا زاده سال گذشته طلا گرفته، امسال هم در المپیک طلا بگیرد. رئیس فدراسیون کشتی در مورد آمادگی حسن یزدانی هم گفت: «در مورد حسن یزدانی باید بگویم این سال گذشته عمل جراحی انجام داد و برگشتش سخت بود. از سه جا، کتف او عمل شده بود. اینگونه نیست که بگویند بفرمایید حسن آقا، مدال طلا آماده است! آن کشتی‌گیر آمریکایی هم کشتی‌گیر خوبی است، اما بچه‌های ما حرفه‌ای هستند و با تعریف از رقیب، روحیه‌شان خراب نخواهد شد.»

برای موفقیت در پاریس گفت: «سه هفته مانده به المپیک، ما همه تلاشمان را می‌کنیم تا با آمادگی کامل در این مسابقات شرکت کنیم. از مربیان هم تشکر می‌کنم که واقعا در این مدت زحمت کشیدند و تلاش کردند تا در بهترین شرایط باشیم.» شرمینه چهل‌امیرانی با تأکید بر تجهیزات محور بودن رشته تیراندازی اظهار داشت: «تیراندازی تجهیزات محور است و هر چقدر شرایط بهتر باشد ما بیشتر می‌توانیم موفق شویم. امیدوارم در پاریس عملکرد خوبی داشته باشیم.» مربیان تیم ملی نیز فرصت را غنیمت شمردند و حرف دل‌شان را به وزیر ورزش زدند. مریم طالبی، سرمربی تیم ملی تفنگ به هزینه‌های سنگین سفرهای خارجی اشاره داشت: «تیراندازان آمادگی خوبی دارند. هدف ما حضور پر قدرت در المپیک است و اینکه تیراندازان بتوانند عملکردی نزدیک به خودشان داشته باشند، این برایمان عملکرد مطلوبی خواهد بود. بعضاً هزینه سفرها توسط خود رئیس فدراسیون تأمین شد. رقابت در جهان بسیار بالاست. بچه‌ها در مجموع شرایط مطلوبی دارند و همه چیز به روز مسابقه بستگی دارد. اگر بچه‌ها عملکرد واقعی‌شان را به نمایش بگذارند به نتیجه خوبی می‌رسند.» نریمان نیکخواه، سرمربی تیم ملی تراب نیز در خصوص درخشش محمد بیرانوند گفت: «خداراشکر در قهرمانی آسیای کویت با امتیاز ۱۲۱ با مدال طلا و شکستن رکورد ایران، سهمیه المپیک را به دست آوردیم. بعد از آن راهی قهرمانی جهان در قطر شدیم که از نظر من از المپیک هم بالاتر بود. بیرانوند امتیاز ۱۲۱ را تکرار کرد و هفتم شد. امیدوارم در المپیک و اولین حضور خود یک رتبه قابل قبول را با نگاه به مدال ثبت کنیم.»

در دیدار کیومرث هاشمی از اردوی تیم ملی کشتی، علیرضا دبیر بیشتر از همه با وزیر درددل کرد. رئیس فدراسیون کشتی باز هم روی موضع قبلی‌اش تأکید کرد و از همه خواست بار این رشته را در المپیک سنگین نکنند. دبیر ضمن تقدیر و تشکر از حمایت‌های هاشمی، کار کشتی در المپیک پاریس را سخت خواند: «کار ما در المپیک سخت است. اینکه فکر کنیم همین‌طور راحت به ما مدال طلا می‌دهند، اینطور نیست. جلوی همه بگویم ما یک مدال طلا هم بگیریم، برده‌ایم. این حرف را می‌زنم که سطح توقعات بالا نرود. کار سخت و بازی‌های المپیک است. من

حضور وزیر ورزش در اردوی تیم‌های ملی تیراندازی و کشتی به المپین‌ها کمی روحیه و انگیزه داد. در فاصله کمتر از یک ماه مانده به آغاز بازی‌های المپیک پاریس، کیومرث هاشمی در جمع تیراندازان و کشتی‌گیران حاضر شد و از آن‌ها خواست بدون دغدغه برای کسب خوشرنگ‌ترین مدال تلاش کنند.

بازی‌های پاریس ۲۰۲۴ از پنجم مردادماه آغاز می‌شود و برخلاف انتظارات هنوز فضای ورزش کشور رنگ و بوی المپیکی به خود نگرفته است. ورزشکاران ما مدت‌ها برای گرفتن سهمیه این بازی‌ها جنگیدند و فعلاً اعزام ۳۷ ورزشکار (۲۷ مرد و ۱۰ زن) قطعی شده است. در بین ۱۱ رشته اعزامی؛ کشتی با ۱۱ سهمیه پیش‌تاز است و تیراندازان نیز موفق به کسب چهار سهمیه شده‌اند. در روزهای حساس باقیمانده، ملی‌پوشان بیش از پیش به حمایت، امکانات و به حداقل رساندن دغدغه‌هایشان نیاز دارند.

فاطمه امینی، شرمینه چهل‌امیرانی، هانیه رستمیان و محمد بیرانوند چهار تیرانداز کشورمان در پاریس خواهند بود. در این بین رستمیان اولین سهمیه کاروان را به دست آورد و برای نخستین بار تیراندازی ایران را در تیانجه ۲۵ متر زنان صاحب سهمیه المپیک کرد. علاوه بر این بیرانوند ۱۷ ساله نیز با المپیکی شدن شگفتی‌ساز تیراندازی لقب گرفته است. حرف مشترک همه آن‌ها رسیدگی به رشته مدال‌آور تیراندازی و برطرف کردن کمبودهاست.

هانیه رستمیان در حضور کیومرث هاشمی به کمبود تجهیزات اشاره کرد: «چون کمبود تجهیزات و فشنگ داریم، تمریناتمان انطور که باید نیست. مدتی است که فدراسیون و کمیته ملی المپیک حمایت می‌کنند و در یک اردوی برون‌مرزی نیز شرکت کرده‌ایم. این به ما کمک کرد تا بتوانیم فشنگ تهیه و در تمرینات استفاده کنیم.»

بیرانوند جوان هم خواستار حمایت هر چه بیشتر وزارت ورزش شد: «اینکه پیگیری امور ورزشکاران هستی، جای تشکر دارد. از شما می‌خواهم از ورزشکاران تیراندازی حمایت بیشتری شود تا این رشته در کشور رونق یابد و مدال‌های رنگارنگی کسب شود.» امینی از تلاش ورزشکاران